

Stylistics of Naser Khosrow's "Jami' al-Hikamtin" & "Wajh al-Din" with an Emphasis on the Intellectual Level

Aslishah moosavi¹

Department of Language, Literature and Cultural Studies, Al-Mustafa Open University, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Abstract

Hakim Naser Khosrow Qobadiani is one of the prominent orators and the owner of a style who, relying on his powerful poetic ability and talent, was able to create a new movement and a great transformation in Persian poetry and prose. With a new perspective on language and its relationship with existence and man, he created major interpretations in the perceptual and literary system of poets and orators and established a specific school in the way of looking at the status of poetry and the purpose of oratory, which famous people such as Sana'i, Nizami, Rumi, Attar, etc. are among the presenters of his school in the field of exalting the status of oratory. Naser Khosrow was a committed believer in the Ismaili religion who dedicated his entire intellectual and literary existence to defending, propagating and explaining this school. His two works "Jami' al-Hikmatin" and "Wajh al-Din" are tools in the service of this single mission; but with a different method and expression. The present study, which was conducted using a descriptive and comparative method, is based on the principle of examining and scrutinizing Naser Khosrow's beliefs and thoughts on speech, poetry, and oratory from various angles in the form of his descriptions, explanations, and recommendations in this regard, and introducing the most important principles based on stylistics from his perspective.

Keywords: Naser Khosrow, Jami' al-Hikmatin, Aspects of Religion, Stylistics, Ismaili Religion.

¹ aslishaimoosavi1400@gmail.com.

سبک‌شناسی «جامع‌الحکمتین» و «وجه‌دین» ناصرخسرو با تأکید بر سطح فکری

اصل شاه موسوی^۱

گروه زبان، ادبیات و فرهنگ‌شناسی، دانشگاه مجازی المصطفی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران.

چکیده

حکیم ناصرخسرو قبادیانی، از جمله سخنوران مطرح و صاحب سبکی است که با اتکا به توان و قریحه قدرتمند شاعرانه خود، توانست حرکتی تازه و تحوّل‌ی عظیم در شعر و نثر فارسی ایجاد کند. او با نگاهی تازه در باب زبان و ارتباط آن با هستی و انسان، تعبیرات عمده‌ای را در دستگاه ادراکی و ادبی شاعران و سخنوران به وجود آورد و مکتب خاصی را در نحوه نگریستن به منزلت شعر و هدف سخنوری، پی افکند که نام آورانی همچون: سنایی، نظامی، مولوی، عطار و... از ارائه دهندگان مکتب او در زمینه تعالی بخشیدن به جایگاه سخنوری به شمار می‌روند. ناصرخسرو مؤمنی متعهد به مذهب اسماعیلی بود که تمام هستی فکری و ادبی خود را وقف دفاع، تبلیغ و تبیین این مکتب کرد. دواثر «جامع‌الحکمتین» و «وجه‌دین» او در حکم ابزارهایی در خدمت این رسالت واحد هستند؛ اما با روش و بیانی متفاوت. پژوهش حاضر که با بهره‌گیری از روش توصیفی و تطبیقی انجام گرفته، بر این اصل استوار است که باورها و اندیشه‌های ناصرخسرو را در باب سخن، شاعری و سخنوری در قالب توصیفات، توضیحات و توصیه‌های وی را در این خصوص، از زوایای مختلف مورد بررسی و مذاقه قرار داد و مهمترین اصول مبتنی بر سبک‌شناسی را از دیدگاه او معرفی کرد.

کلیدواژه‌ها: ناصرخسرو، جامع‌الحکمتین، وجه‌دین، سبک‌شناسی، مذهب اسماعیلی.

¹ aslishaimoosavi1400@gmail.com.

۱. مقدمه

حکیم ناصرخسرو قبادیانی (۳۹۴-۴۸۱ ق) از چهره‌های بی‌بدیل ادب و حکمت فارسی به شمار می‌رود و در میان همعصران خویش چهره‌ای منحصر به فرد دارد. درست است که بخشی از شیوه بیان این شاعر از سبک دوره با آنچه با تسامح می‌توان آن را سنت خواند، تبعیت می‌کند و ویژگی‌های زبانی سبک موسوم به خراسانی به تمامی در خلال اشعار او نمود دارد؛ اما فراتر از این ویژگی‌ها ناصرخسرو دارای سبک فردی است. او سبک خود را به عنصری بلخی نزدیک می‌داند و اگرچه به لحاظ موضوع مدح با او مخالف است اما توانایی شعری او را می‌ستاید و گاه خود را برتر از او می‌شمارد:

بخوان هر دو دیوان من تا ببینی یکی گشته با عنصری بحتری را
(ناصرخسرو، ۱۳۸۰: قصیده ۶۴ ب ۴۶)

نظام سخن را خداوند دو جهان دل عنصری داد و طبع جریرم
(همان: قصیده ۲۱۲ ب ۱۸)

نکته قابل‌اعتنا اینکه، ناصرخسرو در نظم و نثر، هر دو استاد است و این امر به نوبه خود باعث شده در شعر نیز چندان به دنبال آرایه و پیچیدگی نرود؛ بلکه زبان قابل‌فهمی به کار می‌گیرد که به خود پیام لطمه وارد نشود:
در باغ و راغ دفتر و دیوان خویش از نظم و نثر سنبل و ریحان کنم
(همان: قصیده ۱۷۷ ب ۳)

زادالمسافر است یکی گنج من نثر آن چنان و نظم از این سان کنم
(همان: قصیده ۱۷۷ ب ۵۶)

محمدتقی بهار در تبیین دستاورد او می‌نویسد: «ناصرخسرو برای نخستین بار نثر فارسی را به سطح مباحث پیچیده فلسفی، کلامی و وجود‌شناختی کشاند و مفاهیم بسیار دشوار یونانی و اسلامی را در هم آمیخت و با نثری فخیم به فارسی نوشت و سبکی نو در حوزه ادبیات پدید آورد.» (بهار، ۱۳۴۹: ۲۳۰) در میان آثار منشور او، دو کتاب «جامع‌الحکمتین» و «وجه‌دین» از جایگاهی محوری برخوردارند. با وجود مطالعات گسترده در باب اندیشه و اشعار ناصرخسرو، تحلیل نظام‌مند و مقایسه‌ای سبک این دو اثر مهم، با تأکید ویژه بر لایه فکری

(اندیشه‌گانی) آنها، خلأی محسوس در پژوهش‌های موجود است. پژوهش حاضر بر این استوار است که باورها و اندیشه‌های ناصر خسرو را در باب سخن، شاعری و سخنوری در قالب توصیفات، توضیحات و توصیه‌های وی در این خصوص، از زوایای مختلف مورد بررسی و مذاقه قرار دهد و مهمترین اصول مبتنی بر سبک‌شناسی را از دیدگاه او معرفی نماید.

۱-۲. بیان مسئله

مسئله اصلی این پژوهش، بررسی و مقایسه سطح فکری در دو اثر مهم منشور ناصر خسرو است. ناصر خسرو با ایمانی راسخ به مذهب اسماعیلی، تمام ظرفیت‌های خود را در خدمت این مکتب قرار داد. آی. برتلس تأکید می‌کند که او پس از بازگشت از مصر، «جز گرد آوری و نقل تعالیم حکمای اسماعیلی (اهل باطن، اهل تأویل، اهل تأیید) و دفاع از آن، وظیفه و رسالتی برای خود نمی‌شناخت.» (برتلس، ۱۳۳۴: ۲۰۳) با این حال، کارکرد دو کتاب یکسان نیست. «جامع‌الحکمتین» رساله‌ای فلسفی-کلامی است که هانری کربن هدف آن را «هم‌آهنگی فلسفه یونانی و علم دین اسماعیلی» می‌داند. (ناصر خسرو، ۱۳۷۳: ۱۹۶) در مقابل، «وجه‌دین» رساله‌ای تعلیمی-تأویلی است. پرسش اصلی این است که آیا این تفاوت در هدف و مخاطب، به صورت نظام‌مندی در سبک بیانی این دو کتاب تأثیر گذاشته است؟

۱-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت کلی: مطالعه سبک ناصر خسرو، مطالعه یکی از نقاط عطف تاریخ نثر فارسی است.

ضرورت خاص:

۱. پر کردن خلأ پژوهشی: بررسی پیشینه نشان می‌دهد پژوهشی که به تحلیل مقایسه‌ای سبک این دو اثر پرداخته باشد، انجام نشده است.

۲. کشف رابطه فرم و محتوا: این تحقیق می‌کوشد، نشان دهد ناصر خسرو چگونه فرم زبانی (سبک) را به خدمت محتوای ایدئولوژیک درمی‌آورد. عبدالحسین زرین‌کوب سبک را «تعبیر صادقانه‌ای از طرز فکر و مزاج طبع» نویسنده می‌داند. (زرین‌کوب، ۱۳۵۶: ۱۷۵)

۳. شناسایی ظرفیت‌های زبان فارسی: بررسی این آثار، ظرفیت زبان فارسی را در بیان مفاهیم پیچیده نشان می‌دهد. سؤال اصلی: مؤلفه‌های سبکی لایه فکری در این دو کتاب چیست و چه نسبتی با کارکرد هر کتاب دارد؟ فرضیه پژوهش: به نظر می‌رسد میان کارکرد متفاوت دو کتاب با مؤلفه‌های متمایز سبکی در سطح فکری رابطه‌ای مستقیم وجود دارد.

۴-۱. پیشینه تحقیق

مطالعات مربوط به زندگی و اندیشه ناصرخسرو

«ناصرخسرو و اسماعیلیان» اثر برتلس (۱۳۳۴) که «به بررسی جامع زندگی، عقاید، اندیشه‌ها و فعالیت‌های ناصرخسرو و همچنین روابط او با اسماعیلیان پرداخته است.» (برتلس، ۱۳۳۴: روی جلد) «تحقیقی در احوال ناصرخسرو قبادیانی» (علیزاده، ۱۳۶۲) که شامل مباحثی چون «نسب، جوانی، تحصیلات، سفرها، تحول فکری، بازگشت به وطن، اعلام عقاید، تبعید و معرفی افکار و عقاید ناصرخسرو می‌باشد.» (مقدمه کتاب)

«تحلیل اشعار ناصرخسرو» از مهدی محقق (۱۳۶۸) که «ضمن بررسی احوال و افکار ناصرخسرو، به معرفی و تحلیل اقتباس‌های او از آیات، احادیث، امثال و اشعار دیگران پرداخته است.» (ص ۵ مقدمه)

۲. بحث و بررسی

از نگاه ناصرخسرو، سخن، قلمروی معنایی بسیار عمیق و وسیعی را در برمی‌گیرد و رأس کلام به خالق متصل شده و جایگاهی آسمانی می‌یابد و از خالق به جهان و انسان منتقل می‌گردد. گام نهادن در این راستا، مبنا و معنایی از حقیقت سخن و قدرت ناطقه را در اذهان می‌نمایاند و باب‌های تازه‌ای از دانش در سینه‌ها می‌گشاید که به درک «سخن صنع» رسیده و در نهایت به این بصیرت ناب می‌رسد که کلمه و سخن، مظهر ایزد و خالق در جهان هستی است. این شیوه تحلیل سخن، رهیافتی بسیار تازه و بکر در فکر و فرهنگ ایرانی بود که از پی خود، غالب بزرگان پارسی‌گو را به سوی خود کشاند و کمتر سخنور، متفکر و صاحب نظر ادبی (با گرایش حکمی و عرفانی) را می‌توان دید که از کمند جاذبه این اندیشه، رها بوده و به نحوی از انحاء زیر نفوذ این مجموعه اسرار، قرار نگرفته باشد.

۱-۲. زمینه‌های فکری ناصر خسرو: ایمان اسماعیلی به مثابه بنیان سبک

بستر فرهنگی و گرایش زود هنگام به تفکر عقلی

حکیم ناصر خسرو در خانواده‌ای اهل دانش و دیوان در قبادیان بلخ زاده شد. حسن تقی‌زاده با استناد به آثار خود شاعر می‌نویسد: «از جزئیات فراوانی که ناصر خسرو در آثار خود از زندگی خویش آورده، می‌توان دریافت که وی از یک خاندانی دهقان و بسیار متمول برخاسته است که افراد آن دارای کشتزارها بوده و مشاغل و مناصب دیوانی داشته‌اند.» (تقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۱) وی علوم زمانه را فراگرفت و «از اوان جوانی به کارهای دیوانی در دستگاه حکومت سلطان محمود غزنوی و سپس سلطان مسعود غزنوی اشتغال داشت.» (برتلس، ۱۳۳۴: ۱۷۳) این موقعیت، او را با بحران‌های فکری و اجتماعی جامعه آشنا ساخت. اشعار دوره جوانی او نشان از جست‌وجویی عمیق برای یافتن پاسخ پرسش‌های فلسفی دارد. او خود در قصیده‌ای مفصل به این جست‌وجو اشاره می‌کند:

ز اندیشه غمی گشت مرا جان به تفکر ترسنده شده این نفس مفکر زمفکر
از شافعی و مالک وز قول حنیفی جست‌م ره مختار جهان داور رهبر
(ناصر خسرو، ۱۳۸۰: قصیده ۱۰۴)

این حیرت و طلب حقیقت، بستری بود که پذیرش یک نظام فکری منسجم و عقل‌گرا مانند اسماعیلیه را برای وی ممکن ساخت

تحول نهایی و تعهد تمام عمر به اسماعیلیه

خواب مشهور چهل‌سالگی که در «سفرنامه» (ناصر خسرو، ۱۳۸۰) به تفصیل آمده، نقطه عزم او برای قطع وابستگی‌های دنیوی و وقف کامل زندگی در راه عقیده بود. آ.ی. برتلس، با قاطعیت نتیجه می‌گیرد که این سفر نه برای جست‌وجوی مذهب، که برای تکمیل آن آغاز شد: «وی هنگامی که پس از خوابش، سفر هفت‌ساله را آغاز می‌کند، بی‌شک در مذهب شیعه اسماعیلی بوده است.» (برتلس، ۱۳۳۴: ۱۸۰) هدف سفر، دیدار با مرکزیت اسماعیلیان و کسب مشروعیت بود. در مصر، نزد مؤید فی‌الدین شیرازی آموزش دید و موفق به دیدار امام المستنصر بالله شد. مهدی محقق بر اهمیت این دوره تأکید کرده، می‌نویسد: «در همین مجالس اندیشه‌اش دگرگون شد و به مذهب فاطمیان گرایید و خود مبلغ آن مذهب گردید.» (ناصر خسرو، ۱۳۷۳: ۲۳۱)

ناصر خسرو با افتخار از این بیعت یاد می‌کند:

دستم به کف دست نبی داد به بیعت زیر شجر عالی پر سایه مثمر...
روی زی حضرت آل نبی آوردم تا بدادند مرا نعمت دو جهانی
داغ مستنصر بالله نهادستم بر برو و سینه و بر پهنه پیشانی
(ناصر خسرو، ۱۳۸۰: قصیده ۱۰۴ و ۲۳۶)

وی با عنوان «حجت خراسان» به زادگاهش بازگشت. این عنوان را بارها در اشعارش تکرار می‌کند، از جمله:
مر عقلا را به خراسان منم برسفها حجت مستنصری
(همان: قصیده ۲۲۷)

این هویت جدید، محور تمام فعالیت‌های بعدی او شد.

۲-۲. دستگاه فکری تلفیقی: فلسفه در خدمت کلام

ناصر خسرو برای تبلیغ و دفاع از عقیده خود، نیازمند زبانی توانمند بود. او با تلفیق حکمت یونانی (به ویژه مفاهیم نوافلاطونی مانند عقل کل و نفس کل)، منطق ارسطویی (برای استدلال و برهان) و کلام اسماعیلی، دستگاه فکری-زبانی منحصر به فردی پدید آورد. محمدتقی بهار این دستاورد او را چنین می‌ستاید:

«ناصر خسرو برای نخستین بار نثر فارسی را به سطح مباحث پیچیده فلسفی، کلامی و وجود شناختی
کشاند و مفاهیم بسیار دشوار یونانی و اسلامی را در هم آمیخت و با نثری فنی به فارسی نوشت و سبکی
نو در حوزه ادبیات پدید آورد.» (بهار، ۱۳۴۹: ۲۳۰) این تلفیق، مستلزم سبکی فاخر، دقیق و استدلالی
بود که بتواند هم عمق فلسفی داشته باشد و هم در خدمت تبلیغ دینی قرار گیرد.

۳. معرفی آثار مورد مطالعه: ساختار و جایگاه در منظومه فکری ناصر خسرو

۳-۱. کتاب «جامع‌الحکمتین»

جامع‌الحکمتین رساله‌ایست از ناصر خسرو به زبان پارسی که در سال ۴۶۲ هجری قمری نوشته شده است. او که فردی بلندمرتبه در میان اسماعیلیان به شمار می‌آمد و دارای مقام حجت بود، این کتاب را در یمگان و به درخواست عین‌الدوله، امیر بدخشان و در پاسخ به پرسش‌های ابوالهیشم در قصیده مشهورش در باب اصول عقاید اسماعیلیه نگاشت. این اثر که مشتمل بر یک دیباچه و ۳۴

فصل است از منابع مهم در آگاهی از اندیشه‌های ناصر خسرو و اسماعیلیه به شمار می‌رود. در الهیات اسماعیلیه نیز از منبع معتبر و قابل اعتناست. ناصر خسرو در مقدمه کتاب می‌نویسد: «قصیده‌ای را که گفته بود خواجه ابوالهیثم... نزدیک من فرستاد و از من درخواست... تا سؤالاتی که اندر آن قصیده است، بنام او حل کرده شود.» (ناصر خسرو، ۱۳۷۳: ۱۷)

اصل قصیده ابوالهیثم، به گونه‌ای که ناصر خسرو می‌گوید، ۸۲ بیت و شامل ۹۱ سؤال بوده است. این پرسش‌ها مباحث فلسفی، منطقی، نحوی، دینی و تأویلی را شامل می‌شود که ناصر خسرو «هر یکی را جوابی به حق» داده، و «آنچه... از بسط معانی و شرح اقوال بی‌تفصیل» ضرورت داشته، «از طریق حکمت و فلسفه و هم از سبیل حکمت دین حق» پاسخ داده است. افزون بر این — چنان که خود می‌گوید — مطالبی را که در قصیده ابوالهیثم به صورت پراکنده آورده شده بوده، صورت تألیف داده است. (همان: ۳۱۴) ویراستاران چاپ انتقادی جامع الحکمتین، محمد معین و هانری کربن، متن کتاب را افزون بر دو فصل مقدمه و نتیجه، به ۳۱ بخش که شرح عمده‌ترین مباحث مطرح شده در قصیده را شامل می‌شود، تقسیم کرده‌اند.

چون این اثر با هدف حل مشکلات دینی و معضلات فلسفی نوشته شده بود، ناصر خسرو بر آن نام «جامع الحکمتین» نهاد؛ زیرا که در آن با حکمای دینی به آیات و اخبار و با حکمای فلسفی و فضیلتی منطقی به برهان سخن گفته است؛ یعنی حاوی مباحث حکمت دینی و فلسفه یونانی است. هدف و ماهیت: هدف، هماهنگ سازی حکمت نظری (فلسفه) و حکمت عملی (شریعت) است. هانری کربن، شارح فرانسوی، در مقدمه تصحیح کتاب، آن را «هم‌آهنگی فلسفه یونانی و علم دین اسماعیلی» می‌نامد (به نقل از محقق، ۱۳۷۳: ۱۹۶) این اثر یک رساله فلسفی-کلامی با گفتمان مناظره‌ای و استدلالی است که خطاب به خواص و صاحبان نظر نوشته شده. ساختار بیست فصل (باب) آن از کلیات هستی‌شناختی آغاز و به مباحث معاد ختم می‌شود.

زبان و سبک: نثر آن عمدتاً فخیم، پیچیده و آکنده از اصطلاحات فلسفی و کلامی است تا با مقام موضوع و مخاطب آن تناسب داشته باشد. ناصر خسرو در فصل اول سبب تصنیف کتاب و نام آن و در فصل دوم قصیده ابوالهیثم، در فصل سوم، اثبات صانع و توحید او را بنا بر اقوال فلسفی و کلامی و دینی آورده است و

در باقی فصول کتاب، جز فصل پایانی، در پاسخ به پرسش‌های مذکور — نه به همان ترتیبی که در قصیده آمده — گاهی یک یا دو گاه چندین بیت را که مشتمل بر سؤالات متعدد است نقل کرده و برای هر یک به دو شیوه جداگانه پاسخ داده است؛ یکی مطابق آرای فیلسوفان یونان باستان نظیر ارسطو و افلاطون (بدون اشاره به آرای فیلسوفان مسلمان مانند فارابی و ابن سینا) و دیگری بنا بر اندیشه کسانی که به نظر وی مورد تأیید خاندان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودند مانند فاطمیان قاهره که وی مدعی نمایندگی آن‌ها بود.

نقد ناصر خسرو از شرح جرجانی چون او غالباً از ناتوانی ابوالهیشم در پاسخ به پرسش‌های خود گلابه کرده و همچنین با گرایش عرفانی تر آن تفسیر مخالف بوده است، معلوم می‌شود یکی از مقاصد وی در این اثر آن بوده که کاری کند تا اسماعیلی‌های شرقی از آنچه او «راست‌کیشی» فاطمیان قاهره خوانده است، پیروی کنند. «ناصر خسرو در دیباچه جامع‌الحکمتین کسانی را که دانش طبیعی و هر گونه تفحص درباره آفرینش را غیر مجاز و کفر می‌دانند نکوهش کرده و آنان را «فقها لقبان» و «علما لقبان» دین اسلام خوانده است. سخنان وی در این باب حاکی از شیوع چنین رویکردی در خراسان عصر اوست. وی در مقابل آنان استدلال کرده که رهیافت علمی و فلسفی به خلقت (یا چون و چرا در باره آفرینش) نه فقط مجاز است بلکه واجب دینی است.» (ناصر خسرو، ۱۳۷۳: ۱۲)

با این وصف، وی از تفاسیر عقل‌گرایانه «متکلمان خودرأی» از قرآن، انتقاد کرده و باطنی در باره مجادلات متکلمان درباره صفات الهی اظهار نظر کرده است. گرچه وی در بررسی مکتب‌های کلامی سنی برای معتزله بیش از کرامیه اعتبار قائل شده اما از معتزله به سبب طرد تقلید شدیداً انتقاد کرده و معتقد است که تقلید نه تنها با پیروی کورکورانه از الگوهای مرسوم ارتباطی ندارد؛ بلکه شرط لازم هر فرآیند آموزشی برای رسیدن به مراحل عالی‌تر حقیقت، یعنی تأویل، است؛ تأویلی که در لغت به معنای ارجاع شیء به اصل آن است.

۲-۳. کتاب «وجه‌دین»

این کتاب که در پنجاه و یک گفتار تنظیم شده، یک رساله تعلیمی-تأویلی تمام‌عیار است. هدف آن ارائه تبیین و تأویل باطنی از آموزه‌ها، اصول و فروع دین اسلام از منظر اسماعیلیه است. برخلاف جامع‌الحکمتین که رویکردی تهاجمی و دفاعی در برابر مخالفان دارد، «وجه‌دین» بیشتر

رویکردی درون‌گروهی و آموزشی دارد و هدفش تربیت فکری پیروان و مستجیبان است. بنابر نظر ناصر خسرو، وجه دین مهمترین اثر اوست؛ زیرا در آن مستقیماً به معرف دینی پرداخته است و در نظر او این معارف از معارف دیگر برترند و به تعبیر او «سَر علمها علم دین است» (ناصر خسرو، ۱۳۸۰: ۶۰) در وجه تسمیه کتاب، مؤلف گفته که آن را «روی دین» نامیده است، زیرا «چیزها را به روی توان شناخت و خردمندی که این کتاب را بخواند، دین را بشناسد و بر شناخته کار کند و مزد کار را سزاوار شود به خشنودی ایزد تعالی.» (ناصر خسرو، ۱۳۷۹: ۶)

ناصر خسرو در وجه دین بسیاری از موضوعات مهم دینی، از قبیل امامت و شهادت و طهارت و نماز و روزه و حج و زکات و جهاد و ولایت اولی الامر را مطرح کرده و به تأویل آن پرداخته است. او این مسائل را در پنجاه و یک گفتار بیان کرده که شمار آنها، به تسریح خود، برگرفته از تعداد رکعات نمازهای واجب در یک روز است که نشان‌دهنده نگاه نمادین و باطنی نویسنده به شریعت است. از گفتار سیزدهم تأویل اعوذ بالله من الشیطان الرجیم و آن‌گاه تأویل بسم الله الرحمن الرحیم و سپس آداب و دستورات فقهی یکایک به روش اسماعیلی شرح و تأویل می‌گردد.

زبان و سبک: اگرچه این کتاب نیز از اصطلاحات تخصصی بهره می‌برد، اما لحن آن بیشتر تبیینی و تعلیمی است و ساختارش برای آموزش منظم عقیدتی طراحی شده است.

۴. مقایسه سبک‌شناسی جامع‌ال‌حکمتین و وجه دین با تأکید بر سطح فکری

کتاب جامع‌ال‌حکمتین بر پایه قصیده‌ای فارسی سروده خواجه ابوالهیثم گرگانی که در آن سؤالاتی فلسفی، کلامی، منطقی، طبیعی و... پرسیده، نوشته شده است.

جامع‌ال‌حکمتین با دیباچه‌ای در نعت خداوند و پیامبر (ص) آغاز می‌شود و آن‌گاه ناصر خسرو، در فصلی «اندر ذکر سبب تصنیف این کتاب و نام او» (ص ۶)، به خلقت عالم و حکمت بعثت پیامبران نکته‌هایی بر مشرب باطنیان می‌پردازد و با اشاره‌ای به مأموریت یافتن خود در بدخشان، می‌افزاید که نسل کسانی که بتوانند «علم دین حق» را با «علم آفرینش که آن از علایق فلاسفه است»، جمع کنند، منقرض شده است، زیرا اهل فلسفه دین را — به سبب جهل «علما لقبان» — خوار می‌دارند و «علما

لقبان» اهل فلسفه را کافر می‌دانند. بدین‌سان، «بدین‌زمین» از فلسفه و دین حق اثری باقی نمانده بود که ناصرخسرو در آن رحل اقامت افکند و به درخواست امیر، جامع‌الحکمتین را تدوین، و علم دین حق را - «که آن تأویل و باطن کتاب شریعت است» - با فلسفه جمع کرد (نک: ۱۶-۱۸)

ناصر خسرو ضمن جمع میان دو حکمت فلسفی و دین حق، در جامع‌الحکمتین روش تأویل را به کار گرفته، و در هر بحثی نخست اقوال مختلف را آورده و با تحلیل نقاط قوت و ضعف آن اقوال دیدگاه تأویلی خود را باز کرده است. در نخستین بیت‌های قصیده پرسش‌هایی درباره وحدت صورت نوعی و کثرت هیئت هر صورتی و نیز از چگونگی جوهر و عرض آمده است، اما جامع‌الحکمتین با بحثی در اثبات صانع و توحید آغاز می‌شود و شارح قصیده در آن اقوال مختلف از دهریان، ثنویان و بت‌پرستان را آورده، و آنها را رد کرده است. ناصرخسرو با تمیز سه گروه اهل تقلید، متکلمان و «شیعت‌خاندان رسول» در میان موحدان، توضیح داده است که گروه نخست بر «ظاهر کتاب استاده‌اند» و فراتر رفتن از ظاهر الفاظ آن را جایز نمی‌دانند و بر آن‌اند که «... وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ...» (آل عمران/ ۷/۳). گروه دوم، معتزله و کرامیه از متکلمان اعتقاد دارند که «نظر واجب است اندر توحید و ما به دلایل و نظر فکری تشبیه را از او سبحانه نفی کنیم». گروه سوم، شیعیان تأویل کلام خداوند را جایز می‌دانند و با اعتقاد به موضعی میان تشبیه و تعطیل به «تأویل عقلی» صفات مخلوق را از خداوند نفی می‌کنند؛ چنان‌که از امام جعفر صادق (ع) نقل کرده‌اند که در پاسخ به این پرسش که آیا «حق تعطیل است یا تشبیه؟» گفته بود: «منزلة بین المنزلتین» (ص ۳۲-۳۳)

ناصرخسرو کتاب وجه دین را در تأویلات احکام شریعت بر طریقه اسماعیلیان نوشته است. وی در این کتاب آیات و احادیث بسیاری را بر مشرب اسماعیلی به تأویل کشانده است. برخی معتقدند که این تاب ترجمه آثار کهن و برجسته اسماعیلی عهد فاطمیان است، لکن به سبب تغییر کلی لحن آن، به ماهیت کتاب اصلی نمی‌توان پی برد.

نویسنده در این کتاب پس از تبیین فلسفه و اعتقادات اسماعیلی، به بیان کلیاتی در باب وجوب ذات الهی و علم و بهشت و دوزخ و قرآن و... پرداخته و در آداب عبادات به تفصیل وارد بحث از «تأویل» شده است. کتاب وجه دین به ظن قوی از تألیفات حکیم ناصرخسرو است و در کتب

مختلفه تألیف آن را به مشارالیه نسبت داده اند؛ ولی آنچه که در کتب متأخرین در باب تألیفات حکیم مزبور ذکر شده، محل اعتماد و اعتبار نیست و بعضی کتبی که به ناصر خسرو مربوط نیست، به وی منسوب گشته اند؛ ولی دلیل قاطعی که مصحح درباره وجه دین و نسبت تألیفات آن به ناصر خسرو ارائه می‌کند، اینست که در بعضی کتب قدیم هم بدین کتاب و مؤلف آن اشاراتی شده است؛ مثلاً کتاب «بیان‌الادیان» که تقریباً در حوالی قرن دهم نوشته شده، وجه دین را به ناصر خسرو نسبت داده است، به نحوی که با ظن قریب به یقین می‌توان گفت وجه دین از تألیفات ناصر خسرو است.

موضوع کتاب هم خود دلیل بزرگی است که مؤلف آن را در اطراف مذهب اسماعیلیه نوشته و اگر کسی عقاید ناصر خسرو را در فلسفه و حکمت الهی از روی کتاب زادالمسافرین او دقت کند، ملاحظه خواهد کرد که از وجه دین هم آن عقاید را می‌توان استنباط کرد. نیز شیوه نوشتن و ترتیب و ترکیب عبارات فارسی آن با سایر مؤلفات حکیم شباهت کامل دارد، به نحوی که هر ذوق سلیم وحدت اسلوب فارسی وجه دین را با کتب دیگر ناصر خسرو فوراً درک می‌کند.

از حیث سبک‌شناسی، «جامع‌الحکمتین» را باید در گروه نثر فنی فلسفی قرن پنجم و «وجه دین» را در گروه نثر عرفانی - دینی متأخر ناصر خسرو قرار داد. به اختصار: جامع‌الحکمتین ⇒ اندیشه‌محور، عقلانی، فلسفی، خشک و نظام‌مند.

وجه دین ⇒ تأویلی، دینی، باطنی، خطابی و سرشار از ایمان و رمزپردازی

۵. نتیجه‌گیری

حکیم ناصر خسرو قبادیانی، از جمله سخنوران مطرح و صاحب سبکی است که با اتکا به توان و قریحه قدرتمند شاعرانه خود، توانست حرکتی تازه و تحوّل‌ی عظیم در شعر و نثر فارسی ایجاد کند. او با نگاهی تازه در باب زبان و ارتباط آن با هستی و انسان، تعبیرات عمده‌ای را در دستگاه ادراکی و ادبی شاعران و سخنوران به وجود آورد و مکتب خاصی را در نحوه نگریستن به منزلت شعر و هدف سخنوری، پی افکند که نام آورانی همچون: سنایی، نظامی، مولوی، عطار و... از ارائه دهندگان مکتب او در زمینه تعالی بخشیدن به جایگاه سخنوری به شمار می‌روند.

جامع‌الحکمتین در حدود سال‌های آغازین گرایش ناصرخسرو به مذهب اسماعیلی نوشته شده است. هدف او در این کتاب تلفیق دو سرچشمه معرفت یعنی «عقل فلسفی» و «وحي دینی» است. از همین رو نام کتاب «جامع‌الحکمتین» یا «جمع میان دو حکمت» است: حکمت یونانی (مثنائی) و حکمت نبوی (الهی). این اثر در واقع کوششی است برای عقلانی کردن آموزه‌های دینی. وجه دین از آثار پخته‌تر و متأخر ناصرخسرو است، پس از آنکه در مرتبه داعی و مبلغ اسماعیلی در بدخشان مستقر شد. این کتاب بیشتر رنگ کلامی و باطنی دارد و تأکیدش بر «تاویل شریعت» و تبیین معانی درونی احکام دین است. وجه دین از حیث نثر، زبان و اندیشه، محصول دوران تثبیت ایمان و جهان‌بینی ناصرخسروست.

ویژگی جامع‌الحکمتین و نوع نثر فنی، فلسفی، سنگین؛ متأثر از نثر علمی قرن پنجم مانند آثار ابن‌سینا و ابوریحان عرفانی، تاویلی، نرم‌تر و صوفیانه‌تر؛ نثرش موعظه‌ای و خطابی‌تر و واژگان پر از اصطلاحات فلسفی مانند «جوهر»، «عرض»، «هیولا»، «صورت»، «علت فاعلی»، «علت غایی» سرشار از واژگان قرآنی و دینی: «ایمان»، «عقل»، «هدایت»، «باطن»، «ظاهر» جملات طولانی، منطقی، با پیوندهای استدلالی «چنان‌که»، «پس اگر»، «به سبب آن‌که» کوتاه‌تر، آهنگین‌تر، با تعبیرهای تأملی مانند «پس بدین نگر که...»، «بدان که...» لحن کلی استدلالی و مدرسه‌ای ارشادی و ایمانی → در «جامع‌الحکمتین»، ناصرخسرو فیلسوف است؛ در «وجه‌دین»، او مفسر و داعی است.

جامع‌الحکمتین با لحن علمی فیلسوفان نگاشته شده است. مخاطب آن عالمان و اندیشمندان هستند. نویسنده می‌کوشد با تبیین عقلی، حقانیت دین را اثبات کند. لحن او خشک، منطقی و دقیق است. وجه دین با لحن داعی اسماعیلی نوشته شده است. مخاطب آن مؤمنان و طالبان حقیقت هستند. زبان او شورانگیزتر، ایمان‌آمیزتر و گاه عاطفی است. هدف، رساندن سالک به باطن دین است نه اقتناع عقلی صرف.

در جنبه جامع‌الحکمتین وجه دین منبع شناخت عقل و وحی، هر دو معتبر تاویل وحی؛ عقل در خدمت فهم باطن دین روش فهم قیاس و استدلال فلسفی کشف معنای درونی از طریق امام‌زمان و عقل کلی هدف شناخت اثبات صدق تعالیم نبوی با فلسفه تشریح معنای حقیقی اعمال دینی و فرق ظاهر و باطن.

منابع

قرآن کریم.

- بهار، م. ت. (۱۳۴۹). سبک‌شناسی (جلد اول). امیرکبیر.
- برتلس، آ. ی. (۱۳۳۴). ناصر خسرو و اسماعیلیان (ی. آریز پور، مترجم). بنیاد فرهنگی ایران.
- تقی‌زاده، ح. (۱۳۷۹). زندگی و آثار ناصر خسرو. اساطیر.
- ناصر خسرو. (۱۳۸۰). سفرنامه (م. دبیرسیاقی، به کوشش). زوار.
- ناصر خسرو. (۱۳۸۰). دیوان (م. محقق، به تصحیح). انتشارات دانشگاه تهران.
- ناصر خسرو. (۱۳۷۳). جامع الحکمتین (م. معین و ه. کربن، به تصحیح). طهوری.
- ناصر خسرو. (۱۳۷۹). وجه دین (غ. اعوانی، به تصحیح). مولی.